خبرها

٦٦ درصد پروژه‌های عمرانی ناتمام است

ایسنا: رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران از ساماندهی جوامع حاشیه‌نشین این استان خبر داد. وحید کیارشید اظهار کرد: ردیف بودجه ویژه ساماندهی جوامع حاشیه‌نشین استان در جهت رفع مشکلات خدمات‌رسانی، مسائل اجتماعی، شهری و اقتصادی اختصاص یافته است. به گفته وی ساماندهی با هدف جلوگیری از افزایش حاشیه‌نشینی و برخورداری مناطق حاشیه‌نشین اطراف تهران از حداقل امکانات، خدمات شهری و اجتماعی اجرا خواهد شد. کیارشید تعداد پروژه‌های در دست اجرای استان تهران را یک هزار و ۹۰۰ پروژه دانست و افزود: ۶۶ درصد پروژه‌های در دست اجرای استان تهران نیمه‌تمام باقی مانده از سال‌های قبل است. وی با اشاره به وجود اعتبارات کافی برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام دارای پیشرفت بالا گفت: به منظور توزیع عادلانه اعتبارات بین شهرستان‌های استان تهران بیش از ۷۵۰ صنعت متغیر و شاخص در مدل توزیع اعتبار جدید تعریف و طراحی شده است. کیارشید بر توزیع صد درصدی اعتبارات بین شهرستان‌های استان تهران تاکید کرد و افزود: با توجه به مدل جدید در توزیع اعتبارات، سهم اعتبارات شهرستان‌ها واقعی‌تر حساب و توزیع می‌شود. به گفته او بودجه ساماندهی حاشیه‌نشینی به محض اعلام از سوی شهرستان‌ها و تائید، تامین و اختصاص خواهد یافت.

اعتراض ایران به یاتا و ایکائو

مهر: شرکت هواپیمایی «هما» مشکلات تحریم صنعت هواپیمایی ایران را در اجلاس یاتا مطرح کرد. این اجلاس با حضور ۵۵۰ نماینده از شرکت‌های هوایی عضو یاتا از روز چهاردهم خردادماه به مدت سه روز برگزار شد. مدیرعامل «هما» و هیات همراه با هدف طرح مسائل و مشکلات ناشی از تحریم صنعت هوایی ایران در این اجلاس حضور داشتند و در این راستا پیام مدیرعامل با مضمون تبیین مواضع «هما» درخصوص مسائل تحریم و مشکلات آن در رابطه با تامین ایمنی پروازها در بین اعضا توزیع شد. در حاشیه این اجلاس، سعید حسامی مدیرعامل هواپیمایی «هما» در دیدارهایی جداگانه با جیوانی بیزینانی مدیرعامل یاتا و اسد کوتایته مدیرکل ایکائو خواستار طرح مشکلات صنعت هواپیمایی ایران از جمله محرومیت ملت ایران از حق طبیعی یک مسافرت ایمن شد و دیدارکنندگان موافقت خود را در پیگیری مواضع برحق ایران اعلام داشتند. در این راستا مدیرعامل یاتا با سخنرانی خود در این نشست خطاب به اعضای شرکت‌کننده گفت: براساس ماده ۴۴ پیمان‌نامه شیکاگو که تمامی اعضا آن را تائید و امضا کردند هیچ کشوری حق ندارد با برخورداری از امکانات برتر تکنولوژی هوایی، کشوری را از داشتن حق طبیعی این تکنولوژی و امکانات پیشرفته محروم گرداند که «هما» نیز بر این اساس با ارائه لایحه‌ای خواستار پیگیری مسئولان یاتا و ایکائو در این خصوص شد. اختصاص جایگاه ویژه برای توزیع پیام مدیرعامل «هما» و کتابچه مربوط به توانمندی‌ها و تلاش‌های «هما» در جهت ارائه خدمات با وجود سایه تحریم بر صنعت هواپیمایی از موارد مورد توجه در این اجلاس بود. هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در جهت اعاده حق خود در این اجلاس و طرح مسائل مربوط به صنعت هوایی از دو ماه پیش برنامه‌ریزی منسجمی داشت تا بتواند موانع بر سر راه توسعه صنعت هواپیمایی را به سمع و نظر اعضای حاضر در این نشست برساند و پیام مدیر «هما» خطاب به اعضا نیز در این جهت تهیه و توزیع شد. مدیرعامل «هما» در نشست مطبوعاتی با خبرنگاران رسانه‌های جمعی حاضر در اجلاس اظهار داشت: تحریم ایران به ویژه در صنعت هوایی از سوی آمریکا خلاف معاهدات بین‌المللی است و صنعت هواپیمایی یک مقوله سیاسی نیست که دولت‌های آمریکا و دیگران به آن جنبه سیاسی می‌دهند و شرکت‌های هوایی را درگیر مشکلات عدیده در رابطه با تامین قطعات می‌کنند. گفتنی است کاهش هزینه‌های شرکت هواپیمایی در رابطه با هزینه سوخت، آسان‌سازی مسافرت هوایی، اجرای پروژه بلیت الکترونیکی و توجه مسئولان شرکت‌های هوایی به ایمنی پروازها از دیگر موارد این اجلاس بود که به تصویب اعضای حاضر رسید.

نمایشگاه خودرو تخصصی می‌شود

موج: معاون اقتصادی و امور بین‌الملل وزارت صنایع و معادن گفت: وزارت صنایع تصمیم دارد که نمایشگاه امسال خودرو تهران را از حالت عمومی خود خارج و آن را به نمایشگاهی تخصصی تبدیل کند. محسن شاطرزاده با بیان این مطلب افزود: وزارت صنایع و معادن دولت نهم موافق برگزاری نمایشگاه خودرو تهران در سال جاری است. وی با اشاره به اینکه وزارت صنایع از برپایی نمایشگاه خودرو تهران حمایت می‌کند، اظهار داشت: به تازگی جلسه‌ای با حضور خودروسازان بزرگ کشور (ایران‌خودرو و سایپا) مبنی بر چگونگی برپایی نمایشگاه خودرو تهران در سال ۸۵ برگزار کرده‌ایم که نتایج آن جلسه در حال پیگیری است. شاطرزاده ادامه داد: هم‌اکنون پیگیر رفع مشکلات موجود برگزاری نمایشگاه خودرو تهران با شهرداری هستیم و امیدواریم که هر چه زودتر به یک جمع‌بندی مناسب برای برپایی هرچه بهتر این نمایشگاه برسیم. معاون اقتصادی وزارت صنایع با تاکید بر اینکه برگزاری نمایشگاه خودرو تهران در شش ماهه اول سال جاری بعید است، اظهار امیدواری کرد که صنعت خودرو کشور شاهد برپایی یک نمایشگاه تخصصی خودرو در نیمه دوم امسال باشد. وی برگزاری نمایشگاه خودرو تهران در ماه مبارک رمضان را یکی از پیشنهادهای اعلام شده دانست که جای تامل بیشتری نسبت به سایر زمان‌ها دارد و یادآور شد که هنوز به انتخاب یک زمان قطعی نرسیده‌ایم. شاطرزاده در پاسخ به اینکه «برای برگزاری نمایشگاه خودرو تهران در سال جاری، باید فعالیت‌های بازاریابی آن حداکثر در فصل بهار انجام می‌شد آیا کاری در این خصوص انجام شده است؟» بیان کرد: اداره کل صادرات وزارت صنایع مشغول هماهنگی‌های این موضوع است و به محض اعلام زمان رسمی برگزاری نمایشگاه خودرو تهران، مباحث آن به مراجع مربوطه ابلاغ می‌شود.

تقدیری کوچک از یک تکنوکرات بزرگ

دکتر مسعود نیلی

برای کشوری مانند ایران که دولت در آن برخوردار از درآمدهای سرشار حاصل از صادرات نفت خام است و نیز برای کشوری که تفکر تصمیم‌گیرندگان آن همواره دولت‌محور بوده و به دلایل متعدد، هیچگاه تحول و حرکتی را که فرمان آن، به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در دست دولت نبوده برنتابیده‌اند و بالاخره برای دولتی که طی سالیان متمادی، همواره بر ابعاد بدنه آن افزوده شده و از حجم مغز آن کاسته شده، سازمان متولی امور برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی (برنامه و بودجه سابق و مدیریت و برنامه‌ریزی امروز) از نقش و اهمیت بسیار برخوردار است.

مسلماً اگر بخواهیم، مصداقی روشن از تکنوکراسی در ایران قبل و بعد از انقلاب ارائه کنیم به نام سازمان برنامه و بودجه می‌رسیم. این سازمان به دلیل آنکه مرکز دریافت اطلاعات بسیار متنوع اما واقعی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی- امنیتی بوده و هست و نیز از آنجا که همواره درگیر فعالیت‌های آینده‌نگرانه، در قالب تدوین و تنظیم برنامه‌های پنج ساله و بودجه‌های سالانه بوده است، خود به خود به سمت رویکردی واقع‌بینانه، آینده‌نگرانه و بهره‌مند از تجربیات ملموس بشری هدایت می‌شود. از سوی دیگر مواجه بودن با اطلاعات گوناگون کشور، نوعی توازن شخصیتی و حرفه‌ای در میان کارکنان آن ایجاد می‌کند و این امر باعث می‌شود کارشناسان سازمان و حتی مدیران آن- پس از مدتی تجربه‌اندوزی و آشنایی با واقعیات- از آرمان‌خواهی‌های خیال‌پردازانه که همواره وجه مشخصه روانشناسی بسیاری از سیاستمداران ایرانی بوده است، به دور باشند. آرمان‌خواهی‌های خیال‌پردازانه از یک طرف و رویکردهای عامیانه کوتاه‌نگرانه که به بودجه به عنوان کیسه‌ای نگاه می‌کرده که اهداف هر چند متعالی سیاستمداران را به فوریت برآورده سازد از طرف دیگر، سازمانی «همراه» و «هماهنگ» را اقتضا می‌کرده است. با کنکاش در چالش‌های میان سازمان برنامه و بودجه و مقامات عالی سیاسی و روسای دولت‌ها، در طول دوران تشکیل و حیات این سازمان، به فرازی ثابت می‌رسیم و آن اینکه این سازمان «همراه» نیست. چه آن زمان که علاقه تصمیم‌گیرندگان سیاسی به رشد بودجه بی‌توجه به کسری‌های فزاینده بودجه بوده، چه زمانی که دولت عمیقاً در میانه بنگاه‌های اقتصادی و کسبه و اصناف، توزیع و قیمت‌گذاری را اصلی‌ترین رسالت خود می‌شناخته، چه در دورانی که توسعه اقتصادی با محوریت بنگاه‌های اقتصادی دولتی مورد توجه بوده و چه زمانی که از سازمان انتظار ایفای نقشی فلسفی- فرهنگی- اجتماعی می‌رفت، این سازمان تلاش کرد تا پایبندی خود را به اصول حفظ کند و نیز به طور کاملاً عمل‌گرایانه مانع از آن شود تا شوک‌های ناشی از خواسته‌های غیرواقع‌بینانه تصمیم‌گیرندگان موجب بروز اختلال در گردش طبیعی امور شود.

خواسته‌های بزرگ و فوری تصمیم‌گیرندگان آنگاه که به قیف سازمان برنامه و بودجه می‌رسیده تا آن را تبدیل به خواسته‌های منطقی و قابل تحقق در ظرف معقول زمانی کند، از سازمان مانعی برای کند شدن امور در ذهن تصمیم‌گیرندگان می‌ساخته است. از همین روست که این سازمان به لحاظ مدیریتی همواره یکی از بی‌ثبات‌ترین موسسات کشور بوده است. به جز فاصله زمانی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۴ که رئیس سازمان ثابت بوده، در پنج سال قبل از آن سه رئیس و در ۱۰ سال بعد از آن، شش رئیس برای سازمان تعیین شده است که حکایت از عمر متوسط ۱/۵ سال برای مدیریت سازمان دارد. معاونین اقتصادی نیز از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، عمر کاری متوسط دو سال داشته‌اند. علت این همه بی‌ثباتی آن است که مدیریت سازمان در محل تلاقی دستورات و خواسته‌های روسای دولت‌ها و دیگر مقامات از یک طرف و بخش کارشناسی از طرف دیگر قرار داشته که نتیجه همواره به نفع تصمیم‌گیرنده بوده و به جابه‌جایی مدیریت سازمان ختم می‌شده است. باز از همین روست که در زمانی در سال‌های آغازین پس از انقلاب، تصمیم به تعطیلی سازمان گرفته شد و کارشناسان سازمان را روانه منزل کردند تا پس از تحقیق در مورد آنان، از ایشان دعوت به کار کنند. تصور آن بود که آمریکا منویات خود را به این سازمان ابلاغ می‌کرده و کارشناسان سازمان این منویات را به برنامه عملیاتی تبدیل می‌کرده‌اند!! زمانی حدود ۱۵ سال بعد، صلاحیت پرونده کارشناسان ارشد سازمان مورد بررسی قرار گرفت که براساس نتایج آن قرار بود تعداد قابل توجهی از آنان با افراد «مناسب» جایگزین شوند. اینک پس از حدود ۲۶ سال از زمانی که تصمیم به تعطیلی سازمان گرفته شده عمر کاری یک یک آن کارشناسان به سر می‌آید و با بدرقه‌ای سرد روانه منزل می‌شوند. با نگاهی به گذشته تاریخی سازمان برنامه و بودجه، چه در سال‌های قبل و چه بعد از انقلاب، افرادی را مشاهده می‌کنیم که به دلیل آنکه به این جمع‌بندی رسیدند که اصول‌گرایی حتی حداقلی علمی ادامه کار آنها را در سازمان توجیه‌ناپذیر می‌سازد، پس از مدت‌هایی کوتاه و یا متوسط همکاری با سازمان، آن را ترک کرده و به مراکز دیگر از جمله مراکز دانشگاهی منتقل شدند و عده‌ای نیز که در فهم و درک از مسائل تفاوتی با گروه اول نداشتند، سازمان را به عنوان خانه اول و آخر کاری خود انتخاب کردند و خود را به عقد دائم آن درآوردند. نگارنده این سطور، فردی از گروه اول و محمد کردبچه فردی از گروه دوم بود.

محمد کردبچه انسانی آرام، کم‌حرف، پرکار، کمی کم‌حوصله، بسیار متواضع و دارای اطلاعات فراوان از مسائل مالی و پولی کشور، نمونه‌ای تمام‌عیار از یک تکنوکرات است. آنگاه که روسای جدید سازمان منصوب می‌شدند و در حالی که هنوز معاونین اصلی خود را انتخاب نکرده بودند و همین که از مراسم معارفه روانه دفتر کار خود می‌شدند و در حالی که کارشناسان و مدیران هنوز مشغول گفت‌وگوهای آرام متعارف اداری و گمانه‌زنی‌های معمول در مورد انتصابات محتمل بودند، محمد کردبچه اولین کسی بود که به دفتر رئیس سازمان فراخوانده می‌شد تا گزارشی از وضعیت بودجه را به رئیس جدید ارائه کند و او متواضعانه در حالی که چندین پوشه و گزارش در زیر بغل داشت به سراغ رئیس جدید می‌رفت تا ضمن ارائه گزارش از وضعیت بودجه، دور جدید کلاس آموزش حین خدمت بودجه‌ریزی را آغاز کند.

نگارنده این سطور، حدود هفت سال از دوران کاری خود در سازمان در دهه ۶۰ را در خانه‌ای به فاصله چند متر از ساختمان اصلی سازمان و مشرف به آن، زندگی کرده است. صبح‌های زود، در حالی که هوا تاریک و روشن بود و در روزهای پائیز و زمستان که کاملاً تاریک بود، صدای ماشین کردبچه که از راهی دور عازم محل کار بود سکوت صبحگاهی را می‌شکست. برای من که هر روز نظاره‌گر این تواتر اختلال‌ناپذیر بودم، حرکت به قدری منظم بود که می‌توانستم ساعتم را با آن تنظیم کنم. او هر روز شش صبح پای میزش نشسته بود و در حالی که رادیوی کوچکش روشن بود کار روزانه را با جدیت و در سکوت مطلق اداره آغاز می‌کرد. بارها این جمله را تکرار کرده‌ام که نمی‌دانم پیش از این، در کل سازمان اداری کشور، چند نفر مثل او کار کرده‌اند و بیشتر از آن نمی‌دانم چقدر احتمال دارد که در آینده کسی مانند او در مجموعه کارکنان دولت پیدا شود و به همین دلیل است که در نوشتن برای او برخلاف معمول بسیار احساساتی شده‌ام. برای وزرا، معاونین وزرا، روسای دستگاه‌های اداری در سطوح مختلف، نمایندگان مجلس و کارشناسان بودجه‌ریزی و مالی در سیستم اداری، نام کردبچه نامی آشنا و همزاد با بودجه است. بیش از ۲۵ سال است که او از اواخر خرداد و اوایل تیر مقدمات بودجه سال بعد را با انجام برآوردهای اولیه آغاز کرده و پیش‌نویس بخشنامه بودجه را در مردادماه تهیه کرده و پس از آن در یک ماراتن نفس‌گیر از شهریور تا آذر کارها را در دفتر اقتصاد کلان آماده می‌کرده و روانه ستاد بودجه می‌شده و سپس همراه رئیس سازمان به هیات دولت می‌رفته و پس از تصویب نهایی دولت ارقام را کنار هم قرار می‌داده و در کنار همکاران دیگر سازمان، چند شب را تا صبح در سازمان طی می‌کرده تا لایحه بودجه به اصطلاح بسته شود. آن زمان که هنوز کامپیوترهای شخصی رایج نشده بود، او با یک مداد و یک پاک‌کن و خط‌کش و یک ماشین‌حساب کار خود را با همان دقتی انجام می‌داد که در سال‌های اخیر و با بهره‌گیری از امکانات جدید فناوری اطلاعات.

وقتی نخست‌وزیر و پس از آن روسای جمهور بودجه‌های سالانه را به مجلس می‌بردند علاوه بر اعضای هیات دولت و معاونین سازمان برنامه و بودجه، محمد کردبچه نیز همراه بود. کار او بلافاصله پس از جلسه رسمی مجلس، با کمیسیون برنامه و بودجه و در سال‌های اخیر با کمیسیون تلفیق مجلس آغاز می‌شد. او فرم‌ها و جداول را همیشه قبل از همه آماده و تکثیر شده به همراه داشت. کار کمیسیون تلفیق بدون او واقعاً لنگ بود. به یاد دارم، زمانی میانه رئیس سازمان و کمیسیون برنامه و بودجه در اصطلاح شکرآب شده بود. رئیس سازمان موثرترین اقدامی که انجام داد دستور به آقای کردبچه مبنی بر عدم شرکت در جلسات کمیسیون بود. این جریمه آنقدر سنگین بود که مشکل را به سرعت حل کرد. به هر حال کردبچه مجلس را تا پایان تصویب بودجه در صحن علنی همراهی می‌کرد تا نوبت به شورای نگهبان می‌رسید. او باز اشکالات شورای نگهبان را دقیقاً می‌شنید و برای هر کدام راه حلی ارائه می‌کرد. پس از تصویب نهایی بودجه روانه سازمان می‌شد تا جداول قانون را نهایی کند و این کار معمولاً تا آخرین ساعات ۲۸ و ۲۹ اسفند به طول می‌انجامید. کردبچه مجدداً در شروع سال جدید، همه‌ساله بلافاصله نوشتن گزارشی را آغاز می‌کرد که در آن به میزان واقعی بودن ارقام درآمدی و نیز انحرافات هزینه‌ای مصوب مجلس می‌پرداخت. این گزارش‌ها برای اجرای بودجه‌های سالانه بسیار روشنگر و تعیین‌کننده بود. خلاصه آنکه برای آشنایان با مسائل مالی و اداری کشور، در ورای کتاب‌های لایحه و قانون بودجه، طی سالیان متمادی و در پشت عناوین و اسامی رسمی، نام کردبچه در متن و در قلب آن، بدون رنگ حاضر و ظاهر است. کردبچه حق بسیار بر گردن همه مردم ایران به خصوص عائله دولت دارد.

انسان‌هایی که همه‌روزه در محیط اطرافمان مشاهده می‌کنیم، به چند دسته تقسیم می‌شوند. تعداد بسیاری از آنها، حضوری موثر و مفید در سطح خانواده و نزدیکان دارند. اعضای خانواده از آنان بهره‌مند می‌شوند و نبودشان کمبودی محسوس برای سایر اعضای خانواده محسوب می‌شود. تعدادی از افراد در سطح محله و یا موسسه‌ای که در آن کار می‌کنند، عنصری مفید به حساب می‌آیند و اثر بیرونی فعالیت‌های آنان کاملاً ملموس و قابل مشاهده است. لذا آنگاه که به هر دلیل ارائه خدماتشان متوقف می‌شود، همه نقصان و کمبودی را احساس می‌کنند. اما افراد معدودی هستند که اثرات وجودی فعالیت‌هایشان در سطح ملی و در مقیاس کل آحاد جامعه ظاهر می‌شود. خدمات این افراد را در اصطلاح «کالای عمومی» می‌نامیم به این معنی که نمی‌توان فرد یا افرادی را به طور مشخص به عنوان دریافت‌کنندگان و یا بهره‌مندشوندگان از خدمات آنان معین کرد. خصوصیت ذکر شده باعث می‌شود تا مردم به عنوان دریافت‌کنندگان نهایی خدمات، افراد ذکر شده را نشناسند و لذا قدر خدمات آنان ناشناخته باقی بماند. قدر و منزلت تکنوکراسی در کشور ما نه‌تنها ناشناخته باقی مانده بلکه حتی در بسیاری از مواقع، آنان که در خدمت سیاستمداران بوده و از خود انعطاف نشان داده‌اند از وجاهت اجتماعی برخوردار نیستند. مردم ما در ارزیابی امور، معمولاً وزن اصلی را به ضعف‌ها و نارسایی‌ها می‌دهند و به این موضوع که چه ماشین بزرگی در حرکت است تا همین میزان خدمات را هم دریافت کنند و از همه مهمتر اینکه، با توجه به ضعف‌ها و نارسایی‌های بسیار اساسی که در سازوکارهای مدیریتی کشور وجود دارد، چه کسانی به صورت ناشناخته و گمنام در کار و تلاشند تا آنان سطح موجود رفاه را هم داشته باشند، کمتر توجه می‌کنند.

واقعیت تلخ موجود آن است که برای امثال کردبچه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و فاطمی‌زاده در وزارت امور اقتصادی و دارایی، جایگزینی نیست. مسلماً می‌توان برای کردبچه در سمت مدیر کل اقتصاد کلان جایگزین پیدا کرد، کمااینکه پیدا شده، اما برای کردبچه در موقعیت تنظیم‌کننده بودجه‌های سالانه، مسلماً جایگزینی نیست. حکایت بودجه بدون کردبچه یک چیز است و حکایت نگران‌کننده دیگر کردبچه بدون بودجه است. او به بودجه و بودجه‌ریزی عشق می‌ورزیده و آن را با خانواده و بستگان و مشغله‌های متعارف جایگزین کرده است. او حدود سه دهه است که همچون ماهی در حوض بودجه نفس کشیده و اینک از آب بیرون آورده شده است. واقعیت تلخ دیگر آن است که به دلایلی که می‌بایست به دقت مورد شناسایی و موشکافی قرار گیرد، نظام اداری ما افرادی را با وجدان کاری و مسئولیت‌شناسی کردبچه دیگر تربیت نمی‌کند. به راستی چرا اینچنین است. از میان دلایل متعدد یکی می‌تواند نحوه قدرشناسی و ارج نهادن به خدمات او در پایان مقطع مهمی از فعالیت‌هایش باشد. جوانان امروز، انگیزه کاری خود را از نحوه ارج نهادن به خدمات جوانان دیروز می‌گیرند. لذا حتی نه برای قدرشناسی کردبچه بلکه به عنوان مصلحت‌شناسی مدیریتی نیز چه خوب است اگر ارزش کار او آنگونه که بوده به مردم شناسانده شود.

و اما سخنی نیز با اهل علم اقتصاد و خانواده بزرگ سازمان برنامه و بودجه؛ چرا در شرایطی که اهل سینما و هنر، برای خود خانه سینما و هنر درست می‌کنند و جشنواره‌های مستقل برگزار می‌کنند و براساس معیارهای خودشان به هنرمندان برجسته جایزه می‌دهند و تندیس پیشکسوتان را به رسم قدرشناسی زحمات آنان در معرض دید عموم قرار می‌دهند، ما از اینگونه اقدامات جمعی ناتوانیم تا در جایی گرد هم بیاییم و خدمات امثال کردبچه‌ها را به مردم بشناسانیم؟

منبع: www.rastak.com

تزریق ۵۵ هزار میلیارد ریال تسهیلات بانکی در بخش کشاورزی

لیلا لطفی: تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی سال جاری بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد ریال به تسهیلات بانکی نیاز دارند که تنها بخش محدودی از آن را بانک کشاورزی پرداخت می‌کند. اگرچه چندی است بانک کشاورزی ۱۰۰ درصد تسهیلات‌اش را در اختیار بخش کشاورزی قرار می‌دهد.

بانک کشاورزی که چندی پیش بیش از ۹۰ درصد تسهیلاتش را در اختیار سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و صادرکنندگان بخش کشاورزی قرار می‌داد پس از تاکید ریاست جمهوری در مورد «تخصیص کلیه منابع بانک در بخش کشاورزی» ۱۰۰ درصد تسهیلات ارائه شده بانک را در اختیار بخش کشاورزی قرار داده اما با این حال سال جاری هم همچون سال‌های قبل قادر نیست به کلیه مطالبات بخش پاسخ مثبت دهد. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود امسال هم بخشی از نیازهای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران این بخش بی‌پاسخ باقی بماند. البته مدیرکل دفتر «امور سرمایه‌گذاری و تسهیلات بانک کشاورزی» امیدوار است.

«محمد قائمیان» می‌گوید: «بانک کشاورزی پیش‌بینی کرده در سال ۸۵ «۵۵ هزار میلیارد ریال» تسهیلات به بخش کشاورزی اختصاص دهد. اگرچه نیاز بخش بیش از اینها است. نیاز بخش طبق برآوردی که انجام شده ۱۲۰ هزار میلیارد ریال تا ۱۵۰ هزار میلیارد ریال است. البته سیستم بانکی مکلف است ۲۵ درصد منابع خود را (منابعی را که برای پرداخت تسهیلات در نظر گرفته است) در بخش کشاورزی پرداخت کند. اگر این پرداخت انجام شود نیاز بخش تامین خواهد شد در غیر این صورت بخش کشاورزی با کمبود منابع روبه‌رو می‌شود. به هر حال بانک کشاورزی به تکلیف خود عمل می‌کند هر چقدر منابع داشته باشد مازاد ۵۵ هزار میلیارد ریال را در بخش کشاورزی پرداخت خواهد کرد.»

او در ادامه درباره اینکه «تاکنون بانک چه میزان از این تسهیلات را پرداخت کرده است» می‌گوید: «در اردیبهشت ماه میزان تسهیلات پرداخت شده سه هزار و ۱۴۳ میلیارد ریال است. البته ما از لحاظ پرداخت مشکل نداریم. اگر منابع مالی ما تامین شود، اگر پرداخت‌های ما از محل «وصول مطالبات» و «رشد سپرده‌گذاری‌ها» انجام شود، پرداخت‌ها مشکلی ندارند. در حال حاضر هم چون در ابتدای سال هستیم ارقام این دو محل کم شده است. هم رقم وصول مطالبات و هم رقم رشد سپرده‌ها کم شده و در برخی استان‌ها هم منفی است. به این خاطر پرداخت ابتدای سال ما کم است. اما از اواسط تابستان با رشد سپرده‌گذاری و رشد وصول مطالبات پرداخت‌های بانک رشد می‌کند، به طوری که اواخر سال بانک حداکثر پرداخت‌ها را خواهد داشت.

قائمیان همچنین در مورد میزان وصولی‌های بانک چنین توضیح می‌دهد: «طبق آمار اردیبهشت میزان وصولی بانک سه هزار و ۲۰۸ میلیارد ریال است. سال گذشته در قبال پرداخت ۴۹ هزار و ۸۷۶ میلیارد ریال بانک «۴۰ هزار میلیارد ریال» وصولی داشت که نسبت به سال قبلش رشد داشته است.» وضعیت پرداخت تسهیلات ارزی موضوع دیگری بود که مدیرکل دفتر امور اعتبارات با اشاره به این نکته که در تسهیلات ارزی بانک از محل «صندوق ذخیره ارزی»، «اعتبارات بانک توسعه اسلامی» و «منابع ارزی بانک» تامین می‌شود» درباره آن می‌گوید: «بانک تاکنون یک میلیارد و ۴۰ میلیون دلار از صندوق ذخیره ارزی گشایش اعتبار کرده است. در سال جاری بانک براساس ماده یک قانون برنامه چهارم قراردادی را با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی امضا کرده که رقم توافقی ۳۵۲ میلیون دلار است. البته مطابق با بند «ه» قانون هم که مشخص و مقرر شده بود «حداقل ۱۰ درصد از مازاد حقوق ذخیره ارزی به‌صورت ریالی و ارزی برای زیربخش کشاورزی تسهیلات پرداخت شود.» در حال پیگیری هستیم تا بتوانیم از سازمان مدیریت پول بگیریم و در بخش تزریق کنیم.

گذشته از این بانک توسعه اسلامی هم ۲۰ میلیون دلار اعتبار به بانک کشاورزی داده تا بانک در جهت توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی که تولیدات آنها صادراتی است تسهیلات پرداخت کند. اگرچه بانک از منابع ارزی مستقیم خود در جهت ارائه تسهیلات ارزی استفاده می‌کند.

او در ادامه درباره اینکه «طبق بند «ه» چه میزان اعتبار به بخش داده می‌شود و این اعتبار به چه اموری اختصاص دارد» گفت: «در بند «ه» ماده یک قانون برنامه چهارم اولویت با محصولات صادراتی است. امسال این رقم ۴۵۰ میلیون دلار به حسب موجودی صندوق ذخیره ارزی است که اگر تخصیص داده شود استفاده خواهیم کرد. پارسال این رقم ۸۰۰ میلیون دلار بود اما نتوانستیم از این منابع استفاده کنیم چون تخصیص داده نشده. در نتیجه برای اینکه امسال بتوانیم از این تسهیلات استفاده کنیم از ابتدای سال به اتفاق وزارت جهاد کشاورزی جلساتی را با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی داشتیم که طبق آن جلسات قرار شد این مبلغ را پرداخت کنند. هنوز پرداخت نشده ولی کماکان در حال پیگیری هستیم تا این مبلغ را دریافت کنیم. قائمیان همچنین در مورد این موضوع که اگر این منابع تامین نشود آیا در تامین اعتبارات پیش‌بینی شده بانک خللی ایجاد می‌شود یا نه توضیح داد: «خیر، بانک کشاورزی طبق برنامه همان‌طور که گفتم «۵۵ هزار میلیارد ریال» تسهیلات به بخش کشاورزی اختصاص خواهد داد.»

■ به بد حساب تسهیلات نمی‌دهیم

در سال‌های اخیر از مجموع تسهیلات پرداختی بانک عمده تسهیلات به بخش زراعت، باغبانی و طرح‌های گلخانه‌ای اختصاص داشته به طوری که بانک حدود ۳۰ درصد از تسهیلاتش را به این بخش گلخانه‌ای اختصاص داده است. به گفته قائمیان در سال ۸۴ بیشترین تسهیلاتی که بانک پرداخت کرده مربوط به بخش زراعت، باغبانی و طرح‌های گلخانه‌ای بوده است. بانک حدود ۳۱ تا ۳۲ درصد تسهیلاتش را در این بخش‌ها پرداخت کرده است. پیش‌بینی می‌شود امسال در سطح ۲۹ تا ۳۲ درصد تسهیلات به این بخش‌ها اختصاص یابد.

اما تسهیلاتی را که بانک به بخش دام و طیور اختصاص داده حدود ۲۰-۱۹ درصد است. این سهم اگرچه محدود است اما نسبت به سهم صنعتی همچون میگو که در سال‌های اخیر بانک پرداختی چندانی به آن ندارد بسیار مطلوب است. شیلات ایران مطرح می‌کند: «بانک در سال‌های اخیر به‌رغم توافقات انجام شده در جریان ارائه تسهیلات و تامین نقدینگی میگوکاران کوتاهی می‌کند.» اما مدیرکل دفتر امور سرمایه‌گذاری و تسهیلات نظری متفاوت دارد. او می‌گوید: «بانک به کسی که بدهی سررسید داشته باشد تسهیلات مجدد پرداخت نمی‌کند. پرورش‌دهندگان میگو در چهار استان ساحلی جنوب کشور به بانک کشاورزی بالغ بر ۴۶۰ میلیارد ریال بدهی سررسید دارند. با توجه به اینکه منابع این تسهیلات سپرده‌های مردم است، بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذار مکلف است که نه تنها اصل سپرده را به سپرده‌گذار برگشت بدهد بلکه سود مورد توافق با آنها را که به صورت علی‌الحساب اعلام می‌شود به آنها پرداخت کند. قطعاً وقتی ما از فعالیتی نتوانیم پول سپرده‌گذاران را وصول کنیم دیگر در آن فعالیت ریسک نخواهیم کرد و منابع مجدد تزریق نمی‌کنیم. اگر قرار است حمایتی شود باید دولت حمایت کند. بانک نمی‌تواند، چون بانک پول سپرده‌گذار را پرداخت می‌کند.»

او در ادامه در مقابل موضع دیگر شیلات که مبنی است بر توافقات بانک کشاورزی با شیلات ایران می‌گوید: «تنها توافقی که صورت گرفته در سال ۸۳ بوده. دولت در خرداد ۸۳ مصوبه‌ای داشت که برمبنای آن باید پولی را بابت مطالبه سررسید میگوکاران به سیستم بانکی می‌پرداخت که متاسفانه تا الان این مصوبه اجرا نشده است و دولت پولی بابت این سررسید نپرداخته است. در سال ۸۴ هیچ توافقی صورت نگرفته است. در نتیجه چون دولت مصوبه سال ۸۳ را هم اجرا نکرده به افرادی که بدهی سررسید دارند تسهیلات پرداخت نمی‌شود. البته در اواخر سال ۸۴ بود که مدیرعامل بانک کشاورزی با رئیس سازمان شیلات توافقاتی را انجام داده که آن هم در جریان بررسی اقتصادی طرح‌های میگو ۲۰۰ هکتاری انجام شده بود. بانک معتقد بود طرح‌های میگو ۲۰۰ هکتاری دارای توجیه اقتصادی نیستند ولی در مقابل شیلات ایران ادعا می‌کرد که طرح‌ها توجیه اقتصادی دارند. در نتیجه مقرر شد شیلات ظرف شش ماه در این باره بررسی‌های لازم را انجام دهد و نتیجه آن را اعلام کند. در خلال این مدت بانک به کسانی که بدهی سررسید نداشته باشند تسهیلات می‌دهد در غیر این صورت تاکید می‌کنم به آدم بدحساب تسهیلات نمی‌دهیم.» البته این موضوع در مورد زیربخش دام و طیور صدق نمی‌کند. به اعتقاد مدیرکل دفتر امور تسهیلات تاخیر و یا عدم پرداخت تسهیلات از سوی بانک به دلیل عدم وصولی‌ها نیست. او می‌گوید: «ما حدود ۲۰ - ۱۹ درصد منابع را در بخش دام و طیور اختصاص داده‌ایم. این میزان هم به تناسب امکاناتی که بانک داشت تخصیص داده شده است. همان‌طور که گفتم منابع بانک کشاورزی محدود است ولی نیاز بخش خیلی بیشتر از آن است. در نتیجه محدودیت منابع مشکل اصلی در ارائه تسهیلات به این گروه است.»

■■■

از جمله طرح‌های زیربنایی که بانک بر روی آن کار می‌کند طرح «توسعه شبکه‌های ۳ و ۴» است که قائمیان درباره آن و قرارداد سال جاری بانک با جهاد کشاورزی صحبت می‌کند: قراردادهای ما با وزارت جهاد کشاورزی برای احداث کانال‌های ۳ و ۴ و یا شبکه آبیاری تحت فشار است که طبق قرارداد امسال آورده بخش کشاورزی ۶ میلیارد تومان است و همین نسبت برای وزارت نیرو است که در زمینه انتقال آب و کانال‌های درجه یک و دو سرمایه‌گذاری می‌کند. البته طبق همین قرارداد آورده بانک دو برابر رقم قرارداد است.

■ نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی ۱۴/۵ درصد

طبق مصوبه دولت باید از آغاز سال تسهیلات بخش کشاورزی به ۱۱/۵ درصد می‌رسید که هنوز نرسیده است. هنوز قراردادهای بانک با کشاورزان بر پایه نرخ سود ۱۴/۵ درصدی مصوب شورای پول و اعتبار است. قائمیان می‌گوید: «هنوز مصوبه هیات دولت ابلاغ نشده است.» اما اعلام می‌کند: «هر زمانی این مصوبه از سوی بانک مرکزی ابلاغ شود طبق نرخ تسهیلات کنونی از ۱۴/۵ درصد به ۱۱/۵ درصد خواهد رسید و چون زمان اجرای مصوبه از ابتدای سال جاری است پول دریافتی کشاورزان که بر مبنای قراردادهای ۱۴/۵ درصدی بوده به حساب آنها بازمی‌گردد. البته برای کاهش نرخ سود گذشته از این مصوبه ا